کتاب التوحید

191

اصول دین

14299

[illegible]

وبه بسم الله الرحمن الرحیم نستعین

الحمد لله رب العالمین وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین وبعد
کتاب التوحید باب اثبات الصانع تبارک وتعالی قال الله عز وجل سنریهم آیاتنا فی الآفاق وفی
انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق فرمود خدای عز وجل که زود بنمائیم ایشان آیات وادله
وبراهین توحید خود را در آفاق وانفس ایشان تا آنکه مبین وواضح شود از برای ایشان آنکه خدای عز وجل
حق وثابت است فرمود حضرت رسول صلی الله علیه وآله اعرفکم بنفسه اعرفکم بربه
یعنی هر که معرفت او بیشتر است از شما بنفس خود معرفت او بیشتر است بپروردگار خود امیر المؤمنین علیه السلام
فرمود من عرف نفسه فقد عرف ربه یعنی هر کس که نفس خود را شناخت
بتحقیق او پروردگار خود را شناخته است بدانکه از برای مخلوق ممکن نیست که خالق خود را ادراک
نماید وباو برسند بجهة آنکه او مملوک است ودر تحت قدرت دیگران است نمی توانند از آنجا بیرون روند وبرتبه
مالک خود برسند وباو احاطه کند واو را بحجت ادراک خود بیاورد وهمچنین خالق تبارک وتعالی برتبه حادث
ومخلوقات نازل نمی شود تا مخلوق او را ادراک نماید ورابطه هم میان مخلوق وخالق نیست که بسبب آن بتوانند

او را درک نماید

آن نداشته باشد مجبور می‌شود بر فعل دیگر نمی‌تواند که آن را ترک کند و اگر چنین باشد پس اگر توانائی
فعل حسن داشته و ترک آن را نداند مستحق ثواب نمی‌شود و مستحق مدح نمی‌شود نمی‌توان گفت که خوب
کرد به جهت اینکه این در وقتی می‌گویند که او بتواند که او را ترک کند و با وجود این بکند و حال آنکه
مفروض این است که او نمی‌تواند که نکند و اگر توانائی فعل قبیح را داشته و توانائی ترک آن را نداشته
و مستحق عقاب و ذم نمی‌شود زیرا که او مجبور است در فعل آن و اگر توانائی بر ترک فعل داشته
و بر فعل آن نداشته و مجبور می‌شود بر ترک دیگر محال است که آن از او فعل صادر شود و از چنین شخص مؤاخذه
ترک واجبات جایز نمی‌شود و هم چنین مستحق ثواب نمی‌شود بر ترک محرمات پس این
حرف که خدای تعالی بندا و عبید خود را فاعل آفریده است صحیح است در نزد جبریه و ایشان
کسانی هستند که عبید را مجبور می‌دانند در افعال و می‌گویند که خالق افعال عباد خدای تعالی
است و این مذهب چند طایفه است از اهل اسلام مثل صوفیه و اشاعره و کسانی که عباد را مظاهر
فعل خدای تعالی می‌دانند و افعال عبید را از فعل او می‌دانند و میگویند که مثال این از قبیل
بعید و از ایشان هر چه صادر میشود اثر فعل او است و عبید آلت فعل او هستند مثل قلم
که آلت فعل کاتب است که فعل او که حرکت است آن را میان انگشت به قلم و با آن قلم می‌نویسد
خط را و اگر چه در ظاهر خط از قلم صادر می‌شود اما در حقیقت از فعل کاتب صادر می‌شود
و قلم مظهر است از برای فعل و قلم مجبور است در فعل و غیر اینها از مذاهب باطله که در این

سلبی